

کوفه و کوفیان

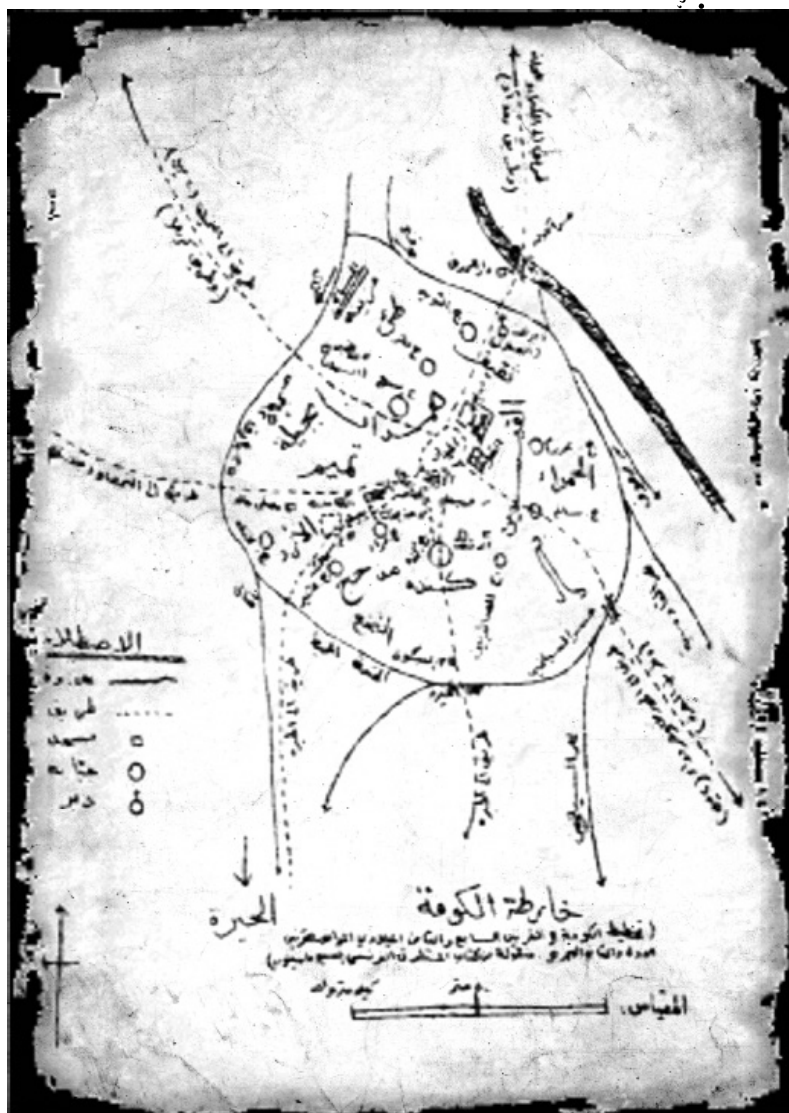
غلامرضا گلی زواره

مقدمه

شهر کوفه که به دلیل گسترش نجف اشرف، امروزه از توابع آن به شمار می‌رود، در دوره‌ای طولانی مرکز سیاسی و حکومتی مسلمین بوده است. در تاریخ و فرهنگ تشیع، بعد از مکه و مدینه منوره شهری به اهمیت کوفه در صدر اسلام وجود نداشته است.

متأسفانه در فرهنگ عمومی کوفه تداعی کننده بی‌وفایی، نفرت، خیانت و جنایت است، اما بر خلاف این تصور غیر واقعی و غیر مستند، کوفه دارای چنان سابقه فرهنگی، فکری، سیاسی و اجتماعی است که ائمه هدی علیهم السلام اعتباری ویژه برای این شهر قائل گردیده و در احادیثی معتبر به ستایش آن و اهلش پرداخته‌اند.

کوفه بزرگ‌ترین شهری است که توسط مسلمین بنا گردید؛ شناخت این شهر و کوفیان محور این نوشتار است.



وجه تسمیه کوفه

کوفه شهری است مشهور در سرزمین بابل، از نواحی بین‌النهرین جنوبی که گاهی آن را «خداالعدرا» و «کوفه الجند» (کانون رزمندگان) نامیده‌اند. گویند چون دایره شکل است، به این نام معروف شده است. برخی گفته‌اند به تپه‌های پوشیده از شن‌های هلالی شکل (برخان) کوفه گویند. برخی مورخان کوفه را واژه‌ای عربی دانسته‌اند که در اصل «کوفاه» بوده و این واژه نام منطقه‌ای است که نهبانی و دژبندی شده است.^۱

ضرورت تأسیس کوفه

شهر «حیره» واقع در چند کیلومتری کوفه کنونی به‌منزله سنگری برای حفظ شهرهای ایران از تاخت و تاز قبایل صحرایی و چادرنشین بود که با فتح آن^۲، اندکی بعد رزمندگان مسلمان شهر «مداین» (تیسفون) را که مرکز فرمانروایی ساسانیان بود، فتح کردند. سپس باقی‌مانده سپاه یزدگرد را در «جلولا» که منطقه مرزی بین ایران و عراق بود، درهم شکستند. با این پیروزی قوای ساسانی از دره دجله و فرات یعنی منطقه جنوبی جزیره به‌طور کامل بیرون رانده شد. پس از آن، مسلمانان این ضرورت را احساس کردند که حکومت مستقری در مناطق فتح شده به‌وجود آورند. اولین اقدام برای این هدف، انتخاب یک پایتخت بود و سرزمینی که کوفه نامیده شد، برای این منظور مناسب بود؛ زیرا به غیر مسلمانان آلوده نبود. در این شهر، تأسیس یک دستگاه اداری، سیاسی و نظارتی اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسید؛ زیرا اداره مناطق فتح شده توسط رؤسای محلی صورت می‌گرفت و مسلمانان هیچ‌گونه مباشرت و نظارت مستقیمی در این باره نداشتند.^۳

به علاوه کوفه می‌توانست کانونی برای مهاجران از راه رسیده و نیز پایگاهی برای دفع حملات دشمنان زخم‌خورده و ایجاد امنیت سیاسی و اجتماعی در قلمرو جدید باشد. مورخان می‌گویند: خلیفه وقت در نامه‌ای از «سعد بن ابی وقاص» خواست تا محلی را برای هجرت مسلمانان و پیروان ایشان برگزیند که بین آن محل و خود وی دریا فاصله نباشد.

سعد به شهر انبار آمد تا منزلگاه را در آن جا قرار دهد؛ اما حشرات موزی فراوانی در آن محل ساکنین را آزار می‌داد. «عبدالمسیح بن بقیله» که به منطقه آشنایی داشت، سعد را به سرزمینی هدایت کرد که از فلات پایین‌تر و از زمین پست (جلگه‌ای) و پشه‌گیر مرتفع‌تر است. این ناحیه «سورستان» نامیده شد که همان کوفه کنونی باشد.

رزمندگان مستقر در نواحی شرقی به دلیل فتوحات متوالی، احساس خستگی می‌کردند و نمی‌توانستند در محلی که

کوفه از سال هفده هجری که بنا گذاشته شد، تا سال ۱۳۲ هجری همچنان به صورت شهری باز و گسترده بود. این شهر از آغاز تأسیس، نزدیک به چهل‌هزار نفر رزمنده را در خود جای داد و با توجه به این که بسیاری از نیروهای نظامی و سربازان، خانواده خویش را به همراه آورده بودند، در آن زمان نزدیک به یکصد هزار نفر در کوفه اقامت داشتند.

اقلیمی نامناسب داشت، اقامت گزینند. آنان نیازمند منطقه‌ای بودند که مناسب خلق و خویشان باشد و تا اندازه‌ای برایشان آرامش و آسایش به‌وجود آورد. به علاوه، کوفه آسان‌ترین مسیر برای ارتباط حجاز با عراق بود و نیز گذرگاه فرات میانه و تمامی بابل در این ناحیه بود. اگر چه موقعیت حاشیه‌ای داشت و دور از مرکز بود، ولی مسیرهای ارتباطی مناسب، آن را با مرکز خلافت مرتبط می‌ساخت. تلفیق جالب میان صحرای هموار و زمین زراعی و مسکونی و نزدیک بودن کوفه به منابع آب، از عوامل انتخاب آن برای شهری مهم به شمار می‌آمده است؛ زیرا کوفه در محلی واقع است که جلگه به سوی دشت‌های آبیاری شده و زراعی، کشیده شده و در یک موضع خشک، بر روی تراسی در کنار شاخه اصلی فرات و در ارتفاع دو متری از سطح دریای آزاد قرار گرفته است.^۴

«طبری» می‌نویسد:

«سلمان فارسی» به قصد انبار رفت و از غرب فرات عبور کرد و جایی را نپسندید تا به کوفه رسید «خدیفه بن یمان» هم از مشرق این رودخانه رفت و جایی را نیافت تا آن که به ریگزاری رسید با شن‌های سرخ که آن‌جا را «سهله» گویند و چون آمیختگی ریگ و شن را بدید، کوفه نامیدش. آن‌گاه در آن محل فرود آمدند و نماز اقامه کردند و این گونه نیایش کردند: پروردگار! این مکان را برای ما مبارک گردان و آن را اقامتگاه ما قرار ده. و اوضاع را به سعد وقاص گزارش دادند در این حال سعد از مداین بیرون آمد و در محرم الحرام سال هفدهم هجری در کوفه اردو زد و برای خلیفه نوشت در جایی سکونت اختیار کرده‌ایم که میان حیره و فرات قرار دارد.^۵

بدین گونه اولین شهر اسلامی بعد از ظهور اسلام، توسط مسلمین احداث شد؛ ناحیه‌ای که در ۴۴ درجه و ۲۰ دقیقه طول شرقی و ۳۲ درجه عرض شمالی قرار دارد.

چگونگی شکل‌گیری شهر

سه مؤلفه اساسی در شکل‌گیری کوفه دخالت داشت: منطقه وسیع

مرکزی که قداست داشت و به مسجد اختصاص یافت. در

همین فضا مرکز اجتماع مسلمانان و مقر فرماندهی نیروهای

رزمنده در نظر گرفته شد؛ مکانی که بعدها به صورت مرکز

فرماندهی درآمد. در پشت این محل، خانه‌های مسکونی

قبایل، گرد هسته مرکزی شهر ساخته شده بود. مؤلفه

سوم گذرگاه‌ها و کوچه‌بندی‌هایی بود که ضمن مناسب

بودن برای تردد و حمل و نقل، قلمرو استقرار هر قبیله را

مشخص و تثبیت می‌کرد و تجمع افراد در فضای وسیع

مرکزی و پیرامونی را امکان‌پذیر می‌نمود.

وقتی جایگاه مسجد معین شد، سعد دستور داد تا مردی

تیرهایی را در جهت وزش باد قبله، باد شمال، باد جنوب و باد

خراج شهرهایی چون گرگان
(استرآباد)، سیستان، انبار و برخی
مناطق آذربایجان، به بیت‌المال کوفه انتقال
می‌یافت و پس از تأمین نیازهای عمومی
شهر و اهالی آن، مازادش برای حکومت
مرکزی ارسال می‌شد، عمده درآمد
دولت، از خراج نقاط فتح شده توسط
رزمندگان کوفه بود.

صبا رها کند و محل فرود آنها را نشانه‌گذاری نماید. فاصله پرتاب تیرها ۵۵ متر بود که محدوده شهری را تعیین می‌کرد.^۶

بازار شهر در سمت شمال و در شرق مسجد کوفه قرار داشت؛ به طوری که ضلع شمالی مسجد را احاطه می‌کرد و به ضلع شرقی می‌رسید. این مرکز تجاری، پوششی از حصیر داشت. در همان محدوده مرکزی، سعد جایی را برای رسیدگی به امور سیاسی و اجتماعی کوفه تعیین کرد و بر گرداگردش حصارى از نی کشید و به دربی چوبی مجهز ساخت. این بنای ساده در دهه‌های بعد به قصر و دارالاماره مبدل گردید. در جنوب غربی مسجد، فضایی در نظر گرفته شد که آن را «رحبه» می‌گفتند و جز در مواقعی خاص به اشغال در نمی‌آمد. حضرت علی (ع) وقتی به کوفه گام نهاد، به قصر حکومتی نرفت و در این میدان برای خویش خانه‌ای از نی در نظر گرفت.^۷ خانه‌ای که امروزه به مثابه زیارتگاهی در کوفه از آن بازدید می‌شود، محل سکونت یکی از خواهران حضرت علی (ع) بوده و مولای متقیان در آن رفت و آمد داشته‌اند. دیوارکشی و ترکیب این بنا کاملاً جدید است. افرادی که از خانه منسوب به امیرالمومنین (ع) دیدن می‌کنند، بدان تبرک می‌جویند و برخی در تعظیم شرافت و شأن والای صاحب خانه، در آن به خواندن دعا و نماز مشغول می‌گردند. اصل این عمارت توسط «محسن خان خراسانی» تعمیر و بازسازی گردیده است.^۸

سعد در شمال مسجد، پنج خیابان، در جنوب غربی (رو به قبله) چهار خیابان و در شرق و غرب، هر کدام سه خیابان گشود. قبیله «سلیم» و «ثقیف» را در شمال و در کنار دو راه ارتباطی جای داد؛ «همدان» را در کنار معبری و «بجیله» را در کنار راهی دیگر. در جنوب غربی «بنو اسد» را در کنار خیابانی مستقر ساخت و قبایل دیگر نیز در شرق و غرب استقرار یافتند.^۹

در پنج سال اول بنیان‌گذاری کوفه، کلبه‌هایی از نی ساخته شد که در آن‌ها حریق رخ داد و نابود شدند. در سال ۲۴ هجری چادرهایی با دیوارهایی از گل خشک تثبیت گردید و از سال ۵۰ هجری خانه‌هایی واقعی به کمک خشت ساخته شد.^{۱۰}

کوفه از سال هفده هجری که بنا گذاشته شد، تا سال ۱۳۲ هجری هم‌چنان به صورت شهری باز و گسترده بود؛ البته در هر مرحله‌ای، تکامل و سامان یافته و جلوه‌های معماری را به خود می‌گرفت. اگر چه طرح اولیه از نظمی جالب پیروی می‌کرد، اما افزایش مهاجرت به سوی کوفه، و رشد غیر طبیعی جمعیت، موجب هجوم به هسته مرکزی و برخی فضاهای باز کنار معابر گردید و کوفه را به صورت شهری انبوه، درهم، پریچ و خم، با کوچه‌های تنگ و بن‌بست درآورد. در واقع تراکم غیراصولی مناطق مسکونی، به معابر و مراکز ارتباطی فشار آورد.^{۱۱}

ساکنین کوفه

کوفه در آغاز تأسیس، نزدیک به چهل هزار نفر رزمنده را در خود جای داد^{۱۲} و با توجه به این که بسیاری از نیروهای نظامی و سربازان، خانواده خویش را به همراه آورده بودند، در آن زمان نزدیک به یکصد هزار نفر در کوفه اقامت داشتند.

بعد از به‌وجود آمدن این شهر اسلامی، به دلیل نزدیکی به رودخانه فرات و برخی شعبات آن، قرار گرفتن

در حوالی سرزمین ایران، رونق اقتصادی که از راه غنایم و خراج سرزمین‌های فتح شده به‌دست آورده بود، مهاجرت اقوام و گروه‌های مختلف از دیگر نقاط جهان اسلام به سوی کوفه، روند فزاینده‌ای به خود گرفت و چون حضرت علی (ع) آن را مقرر حکومت خود تعیین نمود، سیل مهاجرت‌ها شدت یافت؛ به‌گونه‌ای که در سال ۳۷ هجری و در نبرد صفین ۶۵۰۰۰ نیروی نظامی در کوفه مستقر بود^{۱۳}.

از سال ۵۰ هجری که «زید بن ابیه» از سوی معاویه، بر کوفه حاکم گردید، از بیم فراوانی شیعیان در این شهر، با فشار و ارباب و تهدید، به انتقال نیروی عظیم انسانی از کوفه به شام و خراسان بزرگ و دیگر نقاط اقدام نمود. او تنها در یک مرحله پنجاه هزار نفر را به سوی خراسان کوچ داد. با این وجود هنوز یکصد و چهل هزار نفر در کوفه ساکن بوده‌اند.

ساکنین کوفه از نظر خاستگاه نژادی و جغرافیایی به دو دسته کلی تقسیم می‌شدند: جوامع عرب و غیر عرب. بخشی از عرب‌های کوفه، قبایلی بودند که با شروع فتوحات اسلامی در ایران و بین‌النهرین، از شبه جزیره عربستان به قصد شرکت در جهاد، به سوی عراق کوچ کردند و بعد از خاتمه نبرد، در کوفه و بصره اقامت گزیدند. اینان که هسته اولیه سکنه کوفه را به‌وجود آوردند، از دو تیره «قحطانی» و «عدنانی» بودند که به «بیمانی‌ها» و «نزازی‌ها» معروف گردیدند. بخش دیگری از عرب‌ها قبایل «بنی تغلب» بودند که قبل از ظهور اسلام، در نواحی جنوبی عراق سکونت داشتند و بعد از فتوحات اسلامی، در کوفه اسکان داده شدند.

مهم‌ترین گروه غیر عرب کوفه «موالی» بودند. آنان با قبایل مختلف عرب پیمان می‌بستند و ولایت آنان را می‌پذیرفتند. موالی از نژادهای گوناگون ایرانی، رومی و ترک بودند که عرب‌ها به همه آن‌ها «عجم» می‌گفتند. بزرگ‌ترین گروه موالی کوفه را ایرانیان با عنوان «حمراء دیلم» به‌وجود آوردند. آنان به رهبری شخصی به نام «دیلم» به رزمندگان اسلام پیوستند و با سپاه سعد وقاص پیمان همکاری بستند. این افراد برخی حرفه‌ها، فنون و صنایع متداول آن زمان را در کوفه اداره می‌کردند. موالی ضمن آن که انسان‌هایی زجر دیده و محرومیت کشیده بودند، از حمایت علویان و شیعیان برخوردار شدند و به همین دلیل برای برپایی یک حکومت شیعی آماده هر گونه همکاری بودند؛ اما اشراف کوفه و برخی سران قبایل که هویت خویش را در پناه بنی‌امیه به‌دست آورده و حفظ کرده بودند، نمی‌توانستند تحمل کنند که موالی اقتدار سیاسی و اجتماعی به‌دست آورند^{۱۴}.

گرایش‌های فکری و کلامی در کوفه

مسلمین کوفه شامل شیعیان، خوارج، حامیان بنی‌امیه و افراد بی‌تفاوت بودند. در میان شیعیان، افراد سرشناس و برجسته‌ای چون «سلیمان بن صرد خزاعی»، «مسیب بن نجبه فزاری»، «مسلم بن عوسجه اسدی»، «حبیب بن مظاهر اسدی» و «بوثامه صاعدی» دیده می‌شدند که از یاران حضرت علی (ع)، امام حسن (ع) و امام حسین (ع) بودند. این افراد به خاندان طهارت و نبوت علاقه قلبی همراه با معرفت داشتند و چون معاویه به هلاکت رسید، برای انتقال خلافت به خاندان علوی با حضرت امام حسین (ع) به نامه‌نگاری پرداختند. شمار زیادی از مردم کوفه را شیعیان عادی تشکیل می‌دادند. این افراد اگرچه نسبت به ائمه هدی (ع) ارادت می‌ورزیدند، ولی اختناق و فشار سیاسی والیان ستمگری چون

به فرموده امام ششم، از فضایل کوفه این است که یک درهم صدقه در این شهر، با صد درهم صدقه در نقاط دیگر برابری دارد و یک رکعت نماز در آن، معادل یکصد رکعت نماز می باشد.

«زیاد بن ابیه» و فرزندش «عبدالله» چنان آنان را در هراس و تشویش قرار داده بود که تا احتمال پیروزی حرکتی را با درصد بالا نمی دادند، در آن شرکت نمی کردند.

«عمرو بن حجاج زبیدی»، «یزید بن حرث»، «عمرو بن حرث»، «عبدالله بن مسلم»، «عمّاره بن عقبه»، «عمر سعد» و «مسلم بن عمرو باهلی»، اشراف و افراد سرشناس کوفه بودند که می کوشیدند فضای سیاسی و اجتماعی کوفه و نواحی پیرامون را به نفع بنی امیه تغییر دهند. حکومت بیست ساله امویان در کوفه این شرایط را فراهم ساخت که این افراد در جهت اهداف ناپاک خود

پیش بروند و حامیان بیشتری به دست آورند. برخی از این افراد به عنوان رئیس قبیله قادر بودند با نیرنگ‌هایی که به کار

می گرفتند، فضای سیاسی کوفه را برای جلوگیری از خیزش‌ها و قیام‌های شعیان متشنج سازند. خوارج کوفه اگرچه در نبرد نهروان سرکوب شدند، اما سیاست‌های غلط امویان موجب گردید دوباره قدرت یابند و آشوب‌هایی را پدید آورند. علاوه بر این‌ها، اشخاصی در کوفه می زیستند که تابع شرایط اجتماعی پیش آمده بودند و چون احتمال پیروزی طیفی را می دادند، خود را به آن نزدیک می کردند؛ اما به محض مشاهده آثار شکست یا قدرت گرفتن و غلبه طرف مخالف، به سرعت صحنه را خالی می کردند. این‌ها که درصد مهمی از سکنه کوفه را تشکیل می دادند، صرفاً درصد بودند لقمه نانی به دست آورند و امیال خویش را ارضا کنند و در واقع بنده شکم و شهوت بودند.^{۱۵}

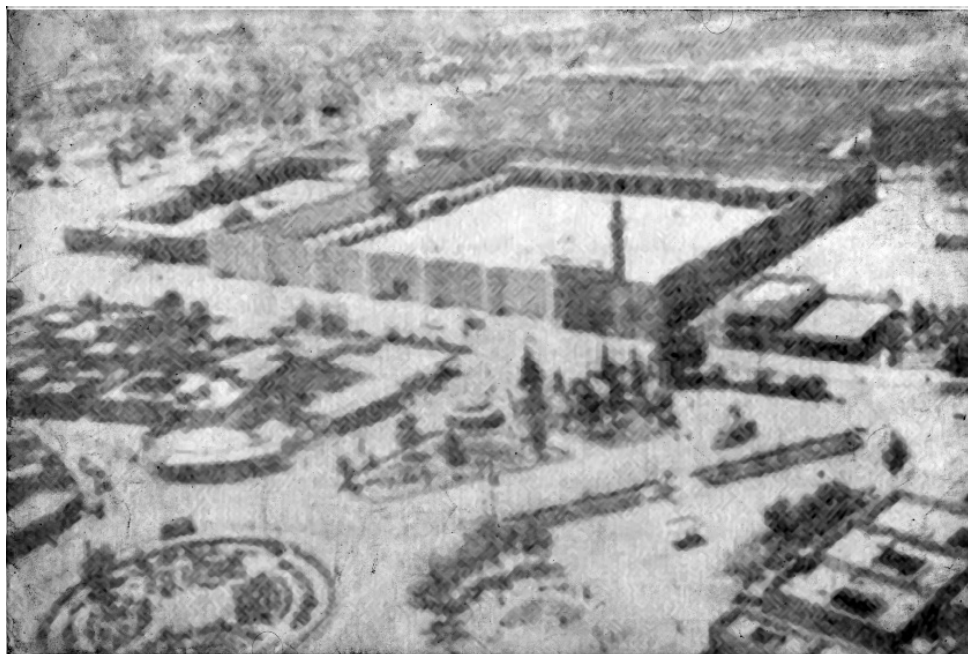
درصد کمی از کوفیان، مسیحیان عرب (از بنی تغلب) مسیحیان نجران و نبطی، یهودیان رانده شده از جزیره العرب در زمان خلیفه دوم و مجوسیان ایرانی بودند.

نظام سیاسی حاکم کوفه

مهم‌ترین مقام اجرایی کوفه، والی بود که از سوی حکومت مرکزی منصوب می شد. امیر کوفه علاوه بر اداره این شهر، بر توابع آن نیز نظارت داشت. این نقاط پیرامونی، شهرهای مهمی از ایران بود که توسط لشکر کوفی فتح گردیده و اداره آن‌ها در اختیار والی کوفه بود. عمده خراج این مناطق نیز در شهر کوفه هزینه می گشت. قزوین، زنجان، طبرستان، ری، کابل، سیستان و انبار در زمره این نقاط بودند. عبدالله زیاد با عمر سعد شرط کرد که اگر در جنگ کربلا و نبرد با امام حسین (ع) حضور یابد، به امارت ری برگزیده خواهد شد.^{۱۶}

والی کوفه این وظایف را عهده‌دار بود: فرماندهی کل قوا و سپاهیان برای پیگیری فتوحات جدید، سرکوبی مخالفان، جمع‌آوری خراج و زکات، عهده‌داری امر قضاوت با تعیین قاضی، مهیا نمودن امور حج، اجرای حدود شرعی، امامت جمعه و جماعت.

اولین حکمران کوفه سعد بن ابی وقاص بود که در سال ۱۷ هجری این شهر را بنیان نهاد و بر اداره‌اش



اهتمام ورزید. «مغیره بن شعیر» حاکم بعدی بود که معاویه از وجهه او برای اداره کوفه استفاده کرد. مغیره کوشید تا حدودی به طور مستقل عمل کند و در مقابل برخی خیزش‌های شیعیان دست به کشتارهای شدید و سرکوبی‌های خونین نزد. مغیره تمایلات عثمانی داشت و به همین دلیل از بیعت با حضرت علی (ع) امتناع ورزید.^{۱۷}

«عمار یاسر» که مسلمانی معتقد و مبارز و فداکار بود و صحابی صمیمی پیامبر اکرم (ص) به شمار می‌رفت، توسط خلیفه دوم به سمت استاندار کوفه تعیین شد. «عبدالله بن مسعود» نیز صندوق‌دار بیت‌المال گشت. عمار در این مقام بر اساس تعالیم اسلامی رفتار کرد و می‌کوشید با فروتنی، زهد و پارسایی و همچون مردم عادی روزگار بگذراند. او در نود و سه سالگی در جنگ صفین در رکاب حضرت علی (ع) به شهادت رسید. «نعمان بن بشیر انصاری» به عنوان امیر کوفه، روش آرام و ملایمی را در پیش گرفت و تا زمان مرگ معاویه، در این سمت باقی بود. نعمان از حامیان بنی‌امیه بود. «بوموسی اشعری» را عثمان برای امارت کوفه در نظر گرفت و اگرچه از سوی حضرت علی (ع) در این سمت ابقا گردید، ولی بنای کارشکنی را با آن امام همام نهاد و مردم را از همکاری با امام متقین باز می‌داشت. در ماجرای حکمیت، وی با حيله‌گری «عمرو عاص»، حضرت علی (ع) را از خلافت خلع و فرمانروایی معاویه را تثبیت کرد.

وقتی زیاد بن ابیه که فردی جنگ‌جو، جاه‌طلب و اهل شرارت و فتنه بود، از سوی معاویه به عنوان والی کوفه تعیین شد، به سرکوبی خونین شیعیان دست زد و جمعی از یاران حضرت علی (ع) و امام حسن مجتبی (ع) را به شهادت رسانید.

فرزندش، عبیدالله که بعد از ناتوانی نعمان بن بشیر در سرکوبی قیام «مسلم بن عقیل»، علاوه بر حکومت بصره، حکمران کوفه نیز گردید، دوازده هزار نفر از شیعیان را دستگیر و محبوس ساخت. قیام فرزند عقیل و فرستاده امام حسین (ع) را درهم کوبید و او و برخی یارانش از جمله «هانی بن عروه» را به شهادت رساند و لشکری را برای مبارزه با حضرت اباعبدالله (ع) به کربلا روانه ساخت و در این رویداد مهم، جنایات بی شماری مرتکب گردید.

یکی از سفاک ترین والیان کوفه «حجاج بن یوسف ثقفی» است که «عبدالملک مروان» او را به این سمت منصوب کرد. وی با مردم این دیار و اطراف، رفتاری ظالمانه و خشن داشت و موجی از بیم و هراس را بر کوفه حاکم ساخته بود. منابع تاریخی گفته اند وی بیش از یکصد هزار نفر را زیر شکنجه به قتل رساند و موقعی که این خون خوار به هلاکت رسید، در زندان هایش پنجاه هزار مرد و سی هزار زن شرایط بسیار مشقت باری را سپری می کردند.^{۱۸}

منابع درآمد کوفه و کوفیان

خراج شهرهایی چون گرگان (استرآباد)، سیستان، انبار و برخی مناطق آذربایجان، به بیت المال کوفه انتقال می یافت و پس از تأمین نیازهای عمومی شهر و اهالی آن، مازادش برای حکومت مرکزی ارسال می شد، عمده درآمد دولت، از خراج نقاط فتح شده توسط رزمندگان کوفه بود. غیرمسلمان ها چون مجوسیان، یهودیان و مسیحیان، سالانه و به طور سرانه به حکومت جزیه پرداخت می کردند. غنایم منقول نقاط مفتوحه، اموال فرمانروایان و امرای دشمن نیز خزانه امارت کوفه را تشکیل می داد. اخذ عوارض بازرگانی از تاجرانی که اجناس و کالاهای گوناگون به کوفه می آوردند، به توان مالی حکمران کوفه می افزود. این درآمدهای قابل توجه، علاوه بر ارزش اقتصادی، یک نوع اقتدار سیاسی و اجتماعی برای والی این شهر به وجود می آورد و او از این رهگذر می توانست برای مخالفان و دشمنان در دسرهای زیادی فراهم کند. چنان که عبیدالله بن زیاد موفق شد با پرداخت رشوه های کلان به رؤسای قبایل و اشراف کوفه و نیز افزودن بر عطایای آنان، این افراد را برای نبرد با امام حسین (ع) راضی کند. وقتی «مجمع بن عبدالله عائذی» در کربلا به نیروهای سیدالشهدا (ع) پیوست، در پاسخ به آن حضرت که اوضاع و احوال کوفیان را جویا گردیده بود، گفت: بزرگان کوفه که از بخشش ها و رشوه های فراوان حکومت برخوردار شده اند، یکپارچه برای جنگیدن با شما بسیج گردیده اند.^{۱۹}

مردم کوفه بخشی از منابع مالی خود را از طریق کسب و کار، فعالیت های زراعی و دامی، روی آوردن به فنون و صنایع دستی و خدمات اداری و انتظامی در دستگاه حکومت وقت، به دست می آوردند. کوفیان مقداری وجوهات نقدی به صورت یک جا یا در اقساطی سالانه، با عنوان «عطا» از حکومت دریافت می کردند و کمک های جنسی که شامل گندم، جو، خرما، روغن و برخی مواد غذایی دیگر بود و «رزق» نامیده می شد، به آنان تحویل می گردید. حضرت علی (ع) در پرداخت این مقرری، اصل مساوات و عدالت را رعایت می نمود و حتی مخالفان را از آن محروم نکرد.^{۲۰}

با روی کار آمدن امویان و مروانیان، هنگام پرداخت عطا، مسائل طبقاتی و سیاسی لحاظ گردید و شرط آن میزان تقرب و وابستگی به دربار بنی امیه و سرسپردگی به حکومت مرکزی بود. مخالفان به خصوص

شیعیان، تهدید به قطع آن شدند و موالی از دریافت آن محروم بودند. متأسفانه وابستگی کوفیان به این مقرری و یارانه والی کوفه، یک نقطه ضعف بزرگ را به وجود آورد و دستگاه حکومت از آن به عنوان اهرمی در برابر مخالفان خود استفاده کرد. وقتی مسلم بن عقیل همراه یاران خویش قصر عبیدالله زیاد را به محاصره درآورد، وی اطرافیان مسلم را در صورت پراکنده گردیدن از اطرافش، به افزایش میزان عطا تشویق و در غیر این صورت به قطع آن تهدید نمود. او با همین شیوه، لشکر قابل توجهی را رهسپار کربلا کرد تا با امام حسین (ع) بجنگند.^{۳۱}

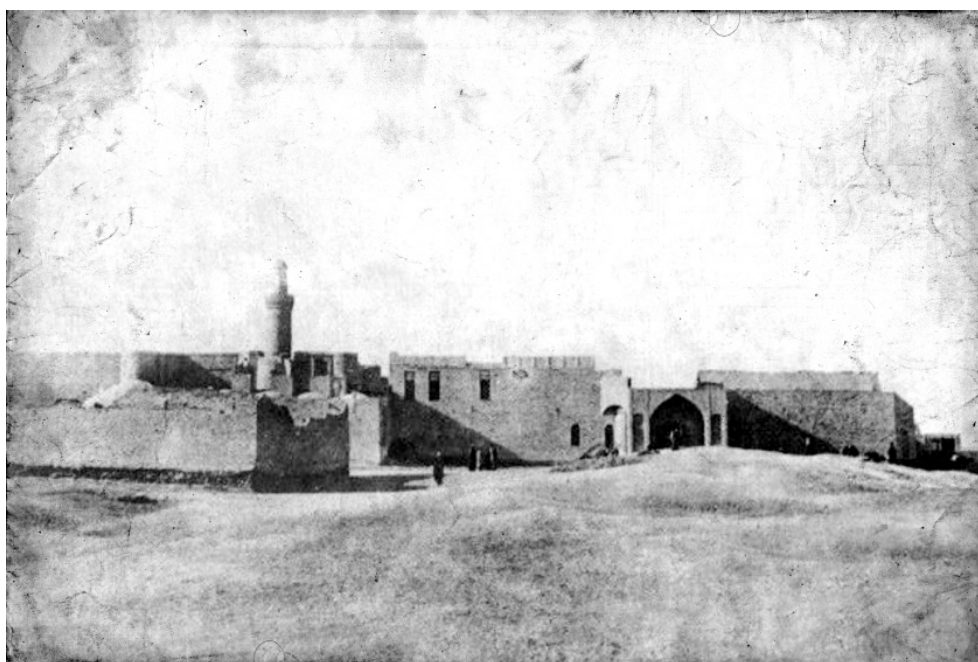
در روز عاشورا وقتی امام (ع) خواست در بیاناتی، حقایقی را بیان کند و با سپاه دشمن اتمام حجت نماید، این افراد با سر و صدا و غوغا سعی می کردند از بیانات حضرت جلوگیری کنند. سرانجام حضرت اباعبدالله رشته کلام را به دست گرفت و خطاب به آن دنیازدگان فرمود: شما از روی عصیان به سخنان من گوش نمی دهید (و باید هم چنین باشد)؛ زیرا آن چه را که به شما داده اند، از مال حرام بوده و شکم هایتان از حرام انباشته گردیده و این امر بر قلب های شما مهر زده است.^{۳۲}

امتیازات کوفه در روایات

کوفه را «برج اسلام» (قبة الاسلام) و مردمش را «اهل الاسلام» وصف نموده اند و درباره سلحشوران این شهر گفته اند: نیزه خدا، ذخیره ایمان و جمجمه عرب هستند که سنگر مرزی را حفاظت کرده و دیگر مسلمانان را تقویت می نمایند.^{۳۳}

حضرت علی (ع) فرموده است:

مکه حرم الله، المدینة حرم رسول الله و الکوفه حرمی لا یریدها جبار بحادثه الا الله؛ مکه حرم خداوند، مدینه حرم نبی اکرم و کوفه حرم من است.^{۳۴} هیچ ستمگر جباری اراده بدی درباره اش نمی کند، مگر این که خداوند متعال هلاکش می نماید. و نیز آن امام پارسایان می فرمایند: ای کوفه! تو را می بینم که همچون چرم عکاظی کشیده می شوی و از حوادث زمانه پایمال می گردی و به انواع بلایا و مصایب گرفتار می شوی



هفتاد پیامبر در
مسجد کوفه نماز خوانده‌اند.
در مسجد کوفه، از تنور نوح آب
فوران کرد و در کنار پنجمین ستون
مسجد حضرت ابراهیم (ع) نماز خواند.
عصای موسی، انگشتر سلیمان و بوته
کدوی سبز شده برای یونس نبی
در مسجد کوفه بوده است.

و من می‌دانم که هیچ ظالمی به تو جفا نمی‌کند، مگر آن
که خداوند او را به بلایی گرفتار کند یا کشنده‌ای را بر
وی مسلط نماید.^{۲۵}

از آن حضرت نقل شده که فرموده‌اند:

کوفه، شهر ما، محل اقامت ما و پایگاه شیعیان
ماست.

امام صادق (ع) نیز می‌فرماید:

سرزمین کوفه به ما علاقه دارد و ما هم آن را
دوست می‌داریم؛ سپس چنین دعا کردند: خدایا!
بدخواه و دشمن کوفه را به مجازات برسان.^{۲۶}

امیرمؤمنان در تفسیر آیه «و آویناها الی ربوه ذات قرار و

معین»^{۲۷} فرموده‌اند: منظور از «ربوه» شهر کوفه، «قرار» مسجد

آن و «معین» رودخانه فرات می‌باشد.

«موسی بن بکره» از امام کاظم (ع) و آن حضرت از پدرانش روایت نموده که رسول اکرم (ص)
فرمودند:

خداوند از میان شهرها، چهار شهر را برگزید و افزود: «والتین و الزیتون و طور سنین و هذا
البلد الامین»^{۲۸}. منظور از «تین» مدینه، «زیتون» بیت المقدس، «طور سنین» کوفه و «بلد
امین» مکه می‌باشد.^{۲۹}

امیرمؤمنان (ع) کوفه را این‌گونه خطاب قرار داده‌اند:

ای کوفه! چقدر پاکیزه‌ای و بوی خوش داری، ولی بسیاری از اهل تو خبیثند؛ آن کس که
از تو خارج شود، همراه گناهان بیرون می‌آید و آن که بر تو وارد گردد، به همت رحمت وارد
می‌شود.^{۳۰}

به روایت «سید بن طاووس» امام صادق (ع) کوفه را باغی از باغ‌های بهشت معرفی کرده‌اند و در پاسخ
مردی که پرسیده بود کجا منزل تهیه کند، فرموده بودند:

بر تو باد که به عراق بروی و در کوفه ساکن شوی؛ زیرا از چهار سوی آن تا چهار فرسخ دارای
برکت است.^{۳۱}

به فرموده امام ششم، از فضایل کوفه این است که یک درهم صدقه در این شهر، با صد درهم صدقه در
نقاط دیگر برابری دارد و یک رکعت نماز در آن، معادل یکصد رکعت نماز می‌باشد.^{۳۲}

مسجد بزرگ کوفه

امام باقر(ع) فرموده‌اند:

کوفه سرزمین پاکیزه‌ای است که در آن مقابر پیامبران مرسل و غیر مرسل قرار دارد. فرستادگان
الهی در آن منزل داشتند و در این مکان، آن بزرگان خداوند را عبادت کرده‌اند.

از برخی روایات چنین برمی آید که هفتاد پیامبر در مسجد کوفه نماز خوانده‌اند. در مسجد کوفه، از تنور نوح آب فوران کرد و در کنار پنجمین ستون مسجد حضرت ابراهیم (ع) نماز خواند. عصای موسی، انگشتر سلیمان و بوته کدوی سبز شده برای یونس نبی در مسجد کوفه بوده است. گویند حضرت ادریس در محل کنونی مسجد سهله، عبادت و خیطاطی می کرده است.^{۳۳}

برخی منابع نوشته‌اند که پیرو شعیب پیامبر در کوفه، در سمت شرقی فرات دفن گردیده است، مورخین عقیده دارند آرامگاه یونس نیز در این شهر می باشد.^{۳۴}

جبرئیل در کوفه بر نوح فرود آمد و به وی گفت باید به فرمان الهی کشتی بسازد. از حضرت امام رضا (ع) نقل گردیده که فرموده‌اند:

مسجد کوفه خانه حضرت نوح است و اگر شخصی صد بار داخل این مکان مبارک گردد، خداوند او را مشمول صد مغفرت خواهد کرد؛ زیرا دعای حضرت نوح شامل حالش می گردد که فرمود: «رب اغفر لی و لوالدی و لمن دخل بیتی مومنا»^{۳۵}.

فرزند نوح در محل کنونی کوفه از کوهی بالا رفت تا خود را از عذاب الهی برهاند؛ ولی آن کوه متلاشی شد و به صورت ریگ نرمی در آن بیابان گسترده شد و سرزمین نسبتاً وسیعی را که نسبت به اطراف بلندتر بود، تشکیل داد که به نجف مشهور شد.^{۳۶}

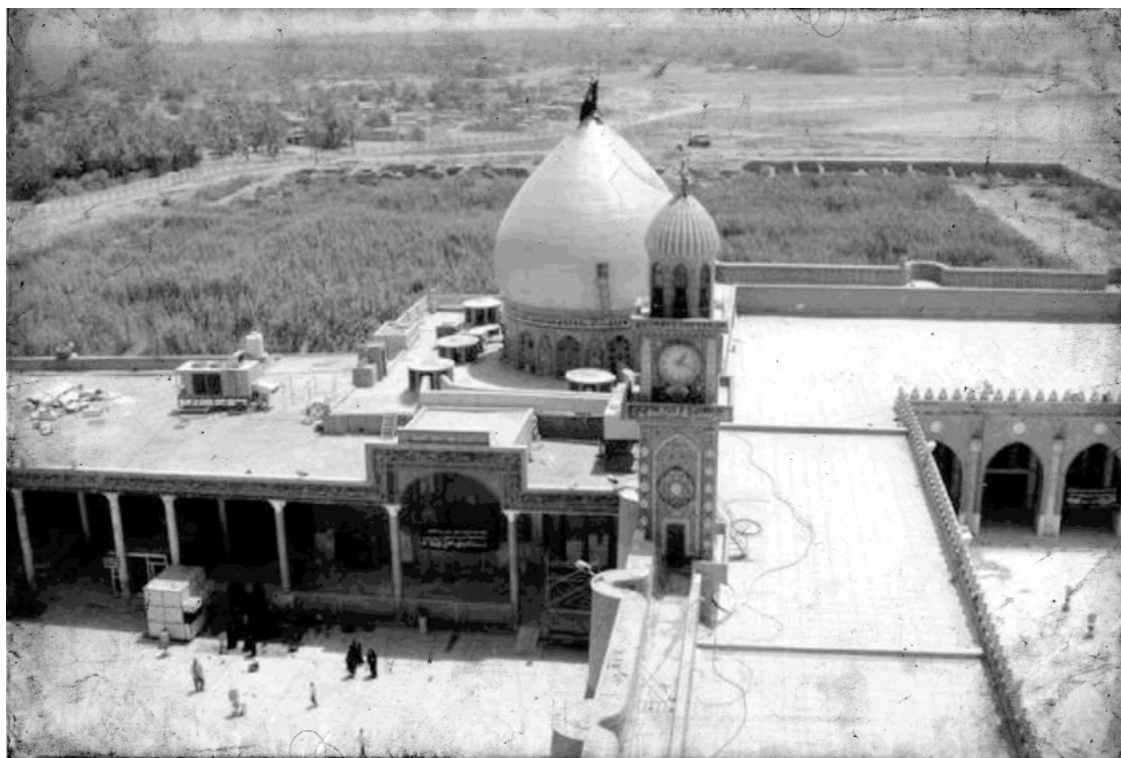
حضرت ابراهیم (ع) به همراه برادرزاده اش حضرت لوط، از کنار فرات پیش رفت تا به کوفه رسید و در محل کنونی مسجد کوفه، کنار پنجمین ستون به نماز ایستاد. به همین دلیل امام صادق (ع) به اصحاب و پیروان خود توصیه کرده‌اند در کنار این ستون دو رکعت نماز بخوانند؛ زیرا آن جا مصلاهی حضرت ابراهیم (ع) بوده است. آن گاه آن حضرت از کوفه به کربلا رسید و از این جا به سوی محل سکونت «عمالقه» رفت.^{۳۷}

از روایات چنین برداشت می شود که مسجد جامع یا مسجد اعظم کوفه، از لحاظ قدمت و قداست، سابقه‌ای طولانی دارد. «سید بحر العلوم» با استفاده از حدیثی نوشته است که حضرت آدم طرح آن را ریخته و نیز پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند:

در شب معراج در حالی که سوار بر براق بودم، جبرئیل مرا همراهی می کرد. از مسجد کوفه عبور کردم که جبرئیل گفت: ای محمد! این جا کوفه و آن هم مسجد کوفه است؛ فرود آی و در این محل نماز بخوان. رسول اکرم (ص) می فرماید: فرود آمدم و نماز خواندم؛ در این حال فرشته الهی گفت آگاه باش که این مسجد را بیست بار ویران و بیست بار آباد دیده‌ام!

امام صادق (ع) فرموده‌اند: انتهای مسجد کوفه، آخر سراجین است که حضرت آدم آن را ساخت و من اکراه دارم سواره وارد آن شوم. از ایشان پرسیدند چه کسی نقشه‌اش را تغییر داد؛ فرمود: توفان نوح آن را دگرگون ساخت؛ سپس اصحاب «کسری» و «نعمان بن منذر» و بعد از آن، «زیاد بن ابیه» باعث دگرگونی آن شدند.^{۳۸}

سعد وقاص هنگام بنیان گذاری کوفه، نخست طرح بنای مسجد کوفه را ریخت و این مکان مقدس و مبارک را در کانون اصلی و مرکزی شهر قرار داد؛ به گونه‌ای که محلات، بخش‌ها و اجزای شهر در



بافتی یگانه با مسجد پیوندی تنگاتنگ داشتند و بافت شهری کوفه، هویت معنوی خود را از این مکان می‌گرفت. از آن زمان، تحولات و تعمیرات گوناگونی در این مسجد به‌وجود آمد.

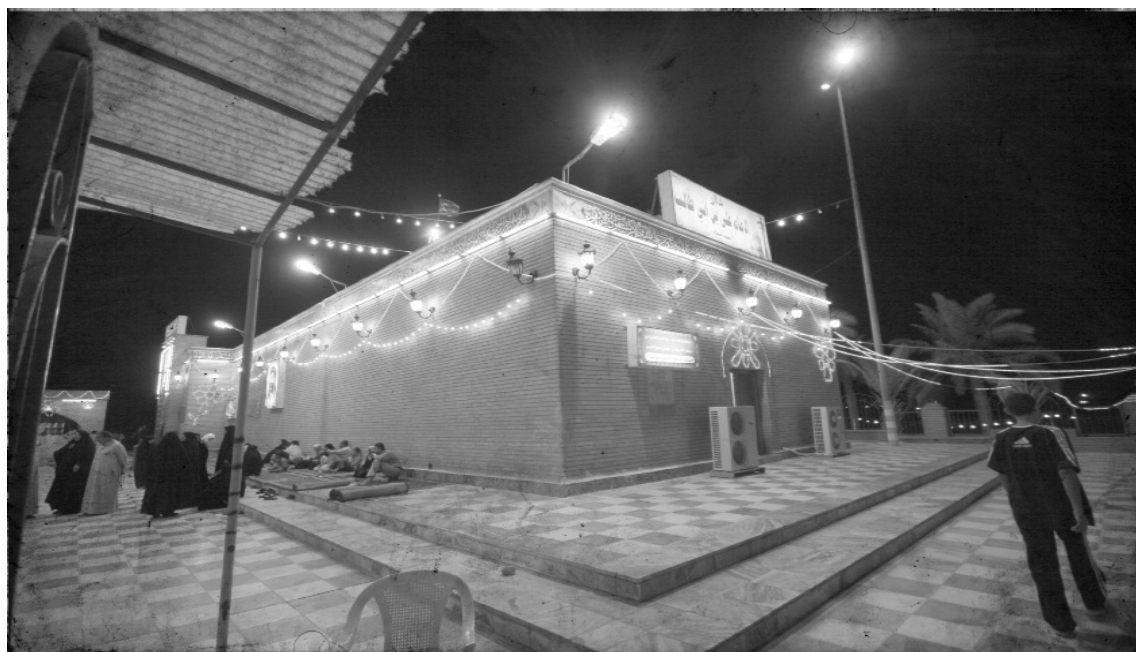
«ابن جبیر» سیاح قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری که آن را از نزدیک دیده، می‌نویسد:

در این مکان محرابی دیده می‌شود که از کف رواق بالاتر است؛ چنان که گویی خود مسجد کوچکی است که همان محراب امیرالمومنین (ع) می‌باشد و در همان جایگاه بود که ملعون شقاوت پیشه «عبدالرحمن ابن ملجم مرادی» «حضرت را به شهادت رساند».^{۳۶}

مسجد کوفه از تمامی مساجد جهان اسلام، به جز مسجد الحرام، قدیمی‌تر است و حتی پیش از خلقت آدم، خداوند به آن برکت داده و طی قرون متوالی محل عبادت پیامبران، اولیا و اوصیای الهی و انسان‌های پارسا و پرهیزکار بوده است. در اهمیت آن همین بس که طبق فقه شیعه، مانند مسجدالحرام و مسجدالنبی نماز مسافر در آن کامل ادا می‌گردد و یک رکعت نماز در آن، پاداش هزار رکعت نماز در دیگر اماکن عبادی را دارد.

امام صادق (ع) مسجد کوفه را برتر از بیت المقدس و با فضیلت‌تر از آن معرفی کرده و فرموده‌اند: حتی نشستن در این مکان، بدون نماز و دعا، عبادت است.

«اصبغ بن نباته» روایت کرده است: روزی در مسجد کوفه در محضر امیرالمومنین بودیم که آن حضرت



فرمود:

ای کوفیان! خداوند متعال چیزی به شما عطا کرده که تاکنون به هیچ کس نداده و عبادتگاه شما را بر سایر مراکز عبادی برتری داده است و آن، خانه حضرت آدم، نوح، ادریس، عبادتگاه ابراهیم خلیل و مصالای برادرم خضر است. مسجد شما یکی از چهار مسجد بافضیلت است که خداوند آن را برای اهلش برگزیده و کس که در آن نماز گزارده، شفاعتی می‌کند که ردّ نمی‌شود. روزی فرا خواهد رسید که آن‌جا عبادتگاه و مصالای فرزندان حضرت مهدی (عج) و مؤمنان خواهد گردید و هیچ فرد بالیمانی بر روی زمین باقی نمی‌ماند که یا در مسجد کوفه نماز خوانده یا در آرزوی آن است که این‌جا نماز بگذارد. این مسجد را ترک نکنید و با اقامه نماز در آن، به سوی خداوند متعال تقرب جوئید و به منظور برآوردن حاجت‌های خود تضرّع نمایید.^{۴۰}

به نقل از «ابوحمزه ثمالی» امام باقر (ع) فرموده‌اند:

اقامه نماز واجب در مسجد کوفه، معادل یک حجّ مقبول و به جای آوردن نماز مستحبی در آن، هم‌وزن یک عمره پذیرفته شده می‌باشد.^{۴۱}

«محمد بن سنان» می‌گوید: از حضرت امام رضا (ع) شنیدم که فرمود:

نماز فرادا در مسجد کوفه از هفتاد نماز جماعت در دیگر مساجد فضیلت افزون‌تر دارد.^{۴۲}

تعداد نمازهای مستحبی زیارت مسجد کوفه به هفتاد رکعت می‌رسد و طبق مفاد روایات، انسان باید از باب الفیل وارد مسجد گردد.

مسجد جامع یا مسجد اعظم کوفه،
از لحاظ قدمت و قداست، سابقه‌ای
طولانی دارد. سید بحر العلوم با استفاده
از حدیثی نوشته است که حضرت آدم
طرح آن را ریخته است.

مساجد کوفه

بعد از مسجد کبیر کوفه، مسجدی به فضیلت مسجد سهله در آن قلمرو نمی‌باشد. این مکان مبارک و مقدس در سه کیلومتری مسجد اعظم کوفه و در شمال غربی آن واقع است. در سبب نام‌گذاری آن، چندین مورد را بر شمرده‌اند: یکی این که در سرزمینی هموار و با خاکی نرم واقع گردیده است. دیگر آن که شخصی به نام سهیل بر بنای آن اهتمام ورزیده و رفته رفته نام او به سهیل بدل یافته است. مسجد سهله در آغاز به «مسجد بنی ظفر» مشهور بوده و نیز به آن «مسجد بزی» و «مسجد القری» هم گفته‌اند. امام صادق (ع) فرموده‌اند:

وقتی وارد کوفه شدی، به مسجد سهله برو که محل اقامت و خیاطی ادريس نبی بوده و او در آن نماز می‌خواند. اگر کسی در آن به آن چه می‌خواهد دعا کند، خواسته‌های وی برآورده می‌شود و خداوند در روز رستاخیز مقام بزرگی همچون منزلت ادريس به وی عنایت می‌کند و از ناهمواری‌های دنیا و نیرنگ‌های دشمنان مصون می‌ماند.^{۴۴}

مسجد سهله تنها مکانی است که به اسناد معتبر، آن را به امام مهدی (عج) نسبت داده‌اند و بسیاری از تشرفات عصر غیبت کبری به حضور ایشان، در این مسجد اتفاق افتاده است و برخی روایات تصریح نموده‌اند که مسجد سهله، محل اقامت حضرت قائم خواهد بود.

همچنین زید بن صوحان با انگیزه‌ای پاک و خالصانه در جنوب مسجد سهله مسجدی ساخت که از جمله اماکن مبارک و عبادی کوفه به شمار می‌آید و به نام خودش معروف است. «زید» از اصحاب خاص حضرت علی (ع) بود که در جنگ نهانند یکی از دستانش قطع گردید و به افتخار جانبازی در جهاد نایل آمد؛ با این وجود در جنگ جمل و در رکاب حضرت علی (ع) به نبرد با ناکثین پرداخت و در این جنگ شهید شد.

برادر زید، یعنی «صعصعة بن صوحان» که از اصحاب خاص امیرالمومنین است، در کوفه مسجدی ساخت که شایسته است در آن دو رکعت نماز خواند.

مسجد حنانه، مسجد حمراء معروف به مسجد حضرت یونس، مسجد جعفر و مسجد بنی کاهل از دیگر مساجد کوفه است. برای این مساجد نیز فضایل و مقاماتی ذکر گردیده و عبادات و دعا در آن‌ها سفارش شده است.^{۴۸}

در کوفه مساجد دیگری وجود دارد که به اماکن ملعونه معروفند و اگرچه اکنون آثاری از آن‌ها دیده نمی‌شود، ولی باید از سازندگان این بناها بیزاری جست. این مکان‌ها عبارتند از: «مسجد ثقیف» که

«مغیره بن شعبه ثقفی» آن را ساخت. وی از مخالفان اهل بیت و جاعل حدیث است. «مسجد اشعث بن قیس کندی» که به نشانه خصومت با حضرت علی (ع) آن را ساخت. «مسجد جریر بن عبدالله بجلي» و او کسی است که دشمنی خود را نسبت به حضرت علی (ع) بروز داد. «مسجد سماک بن مخزومه هالکی اسدی» که از حضرت علی فاصله گرفت. «مسجد شیث بن ربیع» که به نشانه مسرور گردیدن از کشته شدن امام حسین (ع) آن را ساخت^{۴۹}. محدث قمی در «منتهی الآمال» درباره این مساجد مطالبی آورده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. محمد تقی مدرسی امامان شیعه و جنبش‌های مکتبی، ترجمه حمید رضا آذیر، ص ۳۹.
۲. کریستین سن ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، ص ۱۱۵.
۳. دانیل دنت، مالیات سرانه و تاثیر آن در گرایش به اسلام، ترجمه محمد علی موحد، ص ۵۰.
۴. هشام جعیت، کوفه پیدایش شهر اسلامی، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، ص ۸۴ و ۸۵.
۵. تاریخ طبری، ج ۵، ص ۱۸۴۷-۱۸۴۰ و تاریخ ابن اثیر، ج ۴، ص ۱۴۴۸.
۶. حسین قره چانلو، جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی، ج اول، ص ۲۷۰.
۷. بلاذری، فتوح البلدان، ص ۲۷۴ و معجم البلدان، یاقوت حموی، ج ۴، ص ۴۹۱.
۸. سیمای کوفه، از همین قلم، ص ۲۱۱.
۹. کوفه، پیدایش شهر اسلامی، ص ۱۳۸ و ۱۳۹.
۱۰. تاریخ طبری، ج ۴، ص ۱۸۴۷.
۱۱. کوفه، پیدایش شهر اسلامی، ص ۱۵۹ و ۱۶۰.
۱۲. معجم البلدان، ج ۴، ص ۴۹۱.
۱۳. مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی امام خمینی و عاشورا، دفتر دوم، ص ۳۸۳.
۱۴. باقر شریف قریشی، حیات الامام الحسین (ع)، ج ۲، ص ۴۳۸؛ فتوح البلدان، ص ۲۷۹ و دینوری، اخبار الطوال، ص ۲۸۸.
۱۵. تاریخ طبری، ج ۵، ص ۱۹۹۶؛ حیات الامام الحسین، ج ۲، ص ۴۴۱ و ابوعلی عسکویه رازی، تجارب الامم، ج ۲، ص ۵۷.
۱۶. فاروق محرم فوزی، تاریخ العراق، فی عصور الخلافة العربیة الاسلامیة، ص ۲۲۱.
۱۷. مروج الذهب، مسعودی، ج اول، ص ۷۰۹ و ۷۵۴.
۱۸. تممة المنتهی، محدث قمی، ص ۶۴-۶۰؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۱۵، الشیعه و الحاکمون، محمد جواد مغنیه، ص ۱۳۲ و ۱۳۳.
۱۹. تنظیمات جیش العربی الاسلامی فی العصر الاموی، خالد جاسم الجناس، ص ۸۶ و الحیات الاجتماعیة والاقتصادیة

- فی الکوفه فی القرن الاول الهجری، ص ۲۲۲-۲۱۹.
۲۰. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶.
۲۱. الحیاء الاجتماعیه ... ص ۸۷؛ تاریخ طبری، ج ۴، ص ۲۷۷ و حیاة الامام الحسین، ج ۲، ص ۴۵۳.
۲۲. موسوعة الكلمات الامام الحسین (ع)، قم، پژوهشکده باقر العلوم (ع)، ص ۴۳۲.
۲۳. طبقات الکبری، ابن سعد، ج ۶، ص ۳۷.
۲۴. الکافی، کلینی، ج ۴، ص ۵۶۳.
۲۵. تاریخ الکوفه، براقی، ص ۶۳.
۲۶. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۲۸۶.
۲۷. سوره مؤمنون، آیه ۵۰.
۲۸. سوره تین، آیات اول تا سوم.
۲۹. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۹۹، ص ۳۸۳ و معانی الاخبار، شیخ صدوق، ص ۳۷۳.
۳۰. تاریخ الکوفه، ص ۶۰ و ۶۱.
۳۱. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۳۸۰ و ج ۱۰۰، ص ۳۹۳.
۳۲. تاریخ ابن عساکر، ج ۱، ص ۴۵ و فضل الکوفه و مساجدها، محمد بن جعفر مشهدی، ص ۱۵.
۳۳. بحار الانوار، ج ۹۷، کتاب فرار، باب مسجد السهله و سایر مساجد کوفه.
۳۴. آرمگاههای خاندان پاک پیامبر، سید عبدالرزاق کمونه حسینی، ترجمه عبدالعلی صاحبی، ص ۲۵۶.
۳۵. سوره نوح، آیه ۲۹.
۳۶. تاریخ انبیاء از آدم تا خاتم، حسین عماد زاده، ص ۲۱۳.
۳۷. بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۴۳۵ و اعلام قرآن، محمد خزائی، ص ۲۳۹.
۳۸. فضل الکوفه و مساجدها، ص ۲۷-۲۹.
۳۹. سفرنامه ابن جیبر، ص ۲۵۹ و ۲۶۰.
۴۰. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ۳۸۹ و ۳۹۰.
۴۱. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، شیخ صدوق ص ۷۳ و ۷۴.
۴۲. کافی، ج ۳، ص ۲۹۰؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۹۱.
۴۳. فضل الکوفه و مساجدها، ص ۳۹ و ۴۰.
۴۴. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۴۳۴.
۴۵. همان مأخذ.
۴۶. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱ و ج ۱۰۰، ص ۳۸۵.
۴۷. مصباح الزائر، ص ۵۳ و ۵۴ و المزار الکبیر، ص ۴۰ و ۴۱.
۴۸. رک: بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۴۴۸-۴۴۶ و فضل الکوفه و مساجدها، ص ۱۹-۱۷.
۴۹. تاریخ الکوفه، ص ۶۷ و ۶۸.